

سید هادی خسروشاهی



توجه فرمائید :

این مقاله یکماه قبل از انقلاب ۱۴ رمضان  
عراق تهیه شده بود و با تغییر اوضاع سیاسی  
عراق تغییری در آن نمیدهیم و بهمان  
نحویکه بود ! درج میکنیم :

## عراق جدید!

مبارزه بر ضد کمونیسم

سخنی درباره این بحث : گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یازدهمین قسمت بحث مادر باره «تاریخ عراق» که جزئی از «جهان اسلام» است :  
در شماره ۶ سال چهارم مجله درج شد ... ولی پس از آن ، متأسفانه بنا ببللیکه پیش آمد ! ادامه  
آن مقدور نگردید و اکنون هم که از نو «بقیه» بحث را شروع میکنیم ، به بسیاری از حوادث  
تاریخی آن سرزمین اسلامی ، که منجر به روی کار آمدن رژیم جدید گردید ! اشاره ای نمیکنیم !  
برای اینکه بعضی ها میگویند : تجزیه و تحلیل علل و عوامل پیدایش حوادث اجتماعی و برچیده -  
شدن بساطی ، یا بروی کار آمدن رژیم ، در یک سرزمین اسلامی از «تاریخ اسلامی مربوط بجهان  
اسلام» نیست !!

آنها میگویند : شما فقط شرح حال رجال علم و ادب آن سامان را بنویسید و تعداد مؤلفات  
آنها را درباره ادبیات یا مسائل دیگر ، بیان کنید .

گوئیکه تاریخ اسلامی جهان اسلام ، از نظر آنان ، فقط بحث در اطراف همین مسائل غیر ضروری

است و مطرح ساختن این گونه مباحث است که موجب عبرت ! دیگران میشود ! .  
 شاید آنان فکر میکنند که هزار سال بحث در این زمینه‌ها ، نگاهیان استقلال سیاسی و اقتصادی ما و موجب حاکمیت ملی ما بر سرزمینهای اسلامی بوده است !  
 نتیجه این طرز فکر ، بالمآل این میشود که يك مجله دینی حق نداشته باشد در باره مسائل ملی بحث کند که خواهی نخواهی بوجود آورنده حوادث تغییر دهنده سر نوشت ملت ؛ یا ملتهائی است .  
 مانیز ناچار این طرز فکر را میپذیریم !! و فعلا اینگونه مسائل مربوط به سر زمینهای اسلامی عصر خود را مورد بحث و تحقیق قرار نمیدهیم .

بنابراین ما در بحث جدید خود ، فقط سخنی در باره عراق امروز بمیان میآوریم و سپس اطلاعات جامع و تازه ای از وضع آن سامان برای شما مینویسم و پس از معرفی شهرهای بزرگ و مذهبی ، بحث خود را در این باره خاتمه داده و بسراغ سرزمینهای اسلامی دیگر میرویم .  
 بارها گفتیم و باز هم میگوئیم : ما در این نوشته‌ها هدفی جز شناخت و شناسائی بیشتر جهان اسلام ، و عبرت گیری از حوادث تاریخی آن ، نداشته و نداریم و امیدواریم که این سلسله مقالات لااقل برای آندسته از مردمیکه هنوز چیزی از کشورهای برادر خود نمیدانند ، مفید باشد

### جمهوری عراق چگونه بوجود آمد؟

... فشار و اختناق همه جانبه ای از طرف حکومت سابق ، بر مردم مسلمان عراق حکم فرما بود ؛ رجال سیاسی مشغول زدو بندهای سیاسی و رتق و فتق امور بودند ...  
 مسئله «اتحاد عربی» بین اردن و عراق ، پس از وحدت مصر و سوریه ، پی ریزی شد و قرار شد که نیروهای مسلح هر دو کشور یکی شود و «وزارت اتحاد عربی» در عراق بوجود آمد (۱)  
 و کم کم پرچم «اتحاد عربی» ! بر سر عمارات دولتی باهتزاز میآمد که کودتای ۱۴ تموز (۱۹۵۸ م) برابر ۲۶ ذیحجه ۱۳۷۷ هـ بر رهبری عبدالکریم قاسم افسری که رئیس تیپ پیاده عراق بود و عازم کشور اردن بود ؛ رژیم را تغییر داد و «نوری السعید» که يك عمر در پست های حساس عراق قرار داشت و فقط ۱۵ بار نخست وزیر شده بود ، فراری شد و سپس با عده ای دیگر با وضع عجیبی کشته شد. بلافاصله عراق «جمهوری» شد و جمهوری جدید ، اتحاد مسخره آمیز و ضد ملی «عربی» سابق را باطل دانست و دستور داد که پرچم جدید عراق بجای پرچم «اتحاد عربی» ؛ بر سردار اداریت نصب شود .

(۱) برای اطلاع از جزئیات جریان بتاریخ الوزارات العراقیه جلد دهم تألیف سید عبدالرزاق

حسنی ط لبنان صفحه ۲۴۷ و بعد مراجعه شود .

### کمونیسم؛ محصول فشار!

فشارها و تضییقات و سانسورهای حکومت سابق، همه مردم را ناراضی ساخته بود و همین امر بظاهر کوچک، باعث شده بود که مردم در فکر پناهگاهی باشند... کمونیسم از این فرصت، استفاده میکرد؛ و چنانکه در جاهای دیگر دنیا نیز مشابه آن دیده شده است؛ فعالیتهای زیر زمینی خود را علیرغم سازمانهای پلیسی و اطلاعاتی، مخفی تر انجام داده و ب مردم وعده آزادی؛ میداد و تشکیلات آن بقدری منظم و قوی بود که پس از اعلام آزادی احزاب، بلافاصله حزب کمونیست عراق «الحزب الشيوعي» یا «اتحاد الشعب» بفعالیت علنی پرداخت و معرکه گردان میدان شد!

سیاست حکومت سابق در ایجاد اختناق و از بین بردن آزادیهای فردی و اجتماعی؛ عامل اصلی پیشرفت «کمونیسم» در عراق گردید و مردم مظلوم و ستم دیده؛ خیال میکردند که حزب شیوعی؛ یک حزب ملی و نجات بخش است و از اینجا بود که این حزب رونقی گرفت و رسماً در کارهای حکومت جمهوری جدید، دخالت کرد و از عوامل مؤثر و واضع روز گردید.

البته مادر اصالت؛ کمونیستهای عراق شك فراوان داریم ولی هر چه باشند، نتیجهای که از آن عاید جوانان مردم مسلمان گردید، سستی ایمان و عقیده، اختلاف و دو دستی بود... حزب کمونیست عراق؛ طبق معمول سیل کتابها و نشریات کمونیستی را جاری ساخت و با نازلترین قیمت، بهترین کتابهای شرح دهنده اصول مارکسیسم - لنینیسم را در دسترس جوانان بی پناه و بیگناه گذاشت و یکی از هدفهای مبارزه خود را «مذهب» قرارداد!

کوششهای ضد اسلامی کمونیستها اوج گرفت و بمرحله نهائی خود رسید تا آنجا که در اعتاب مقدسه؛ بمقدسات مذهبی مردم مسلمان توهین و جسارت نمودند و به تظاهرات ضد مذهبی پرداختند...

البته هدف حزب کمونیست همانند احزاب همفکر خود، اجرای دستورهای کمینیزم و ستاد مرکزی پرولتاریا؛ وارد و گاه کمونیسم بین المللی بود (۱) و میخواست با استفاده از فرصت؛ عراق اسلامی را جزو «اقمار شوروی» درآورد، چنانکه حزب کمونیست «آلبانی» توانست این کشور اسلامی را از اردوگاه سرزمینهای اسلامی خارج ساخته و جزء بلوک کمونیسم بنماید (۲).

(۱) : برای اطلاع بیشتر از ماجرای کمونیسم در عراق و فعالیتهای ضد ملی و ضد اسلامی آنان بکتاب «الی این یسیر الشبوعیون بالعراق؟» تألیف «انعام الجندی» چاپ بیروت - لبنان مراجعه شود.

(۲) : در این باره؛ در ضمن معرفی کشور آلبانی اسلامی؛ مفصلاً بحث خواهیم کرد.

### مبارزه شروع میشود :

مبارزه ملی تمام طبقات اصیل و مسلمان عراقی ، علیه توطئه های امپریالیسم که بشکل پیشرفت کمونیسم جلوه کرده بود ، شروع شد و پرچمدار مبارزه ؛ طبق معمول ؛ علمای بزرگ اسلامی عراق بودند .

نخست فتاوی مراجع بزرگ دائر بارتداد و کفر کمونیستها صادر شد این فتاوی ، برای مردم ساده لوحیکه حزب کمونیست را تنها نجات دهنده خود میدانستند و بسوی آن گرایش کرده بودند ؛ بمثابه ننگ بیدار باشی بود که از خواب غفلت خطرناکی ، همه آنان را بیدار ساخت و بدینوسیله حزب کمونیست ؛ از نظر اعضاء شکست سختی خورد و به تظاهرات مسخره آمیز و ضد مذهبی پرداخت

البته بموازات فتاوی علمای بزرگ ؛ مبارزه قلمی نویسندهگان اسلامی نیز آغاز گشت و صد ها کتاب و نشریه و چند مجله و روزنامه دینی از طرف جوانان اسلامی - برهبری علماء - منتشر شد و از طرف دیگر ؛ چندین جمعیت اسلامی بوجود آمد که شاید از همه قویتر و فعالتر «**جماعة العلماء**» و «**الحزب الاسلامی**» و «**الاخوة الاسلامیه**» بودند که جرائد «**الاضواء**» و «**الفیحاء**» و «**لواء الاخوة الاسلامیه**» ارکان رسمی آنها بود البته این جمعیتها از طرف علمای اسلامی تأیید میشد و بعضی از مراجع بزرگ پشتیبانی خود را از «**جماعة العلماء**» رسماً اعلام داشتند .

کتابهای زیادی نیز از طرف دانشمندان اسلامی منتشر گردید که دو کتاب «**فلسفتنا**» و «**اقتصادنا**» - که از نجف اشرف منتشر شده نمونه ای از آنها بود و مخصوصاً مورد استقبال جوانان قرار گرفت . مبارزه همه جانبه ای علماء اسلامی با کمونیسم در عراق ، موجب نجات نسل جوان از انحرافهای فکری و گرایش بسوی کمونیسم گردید ، و این اقدام یکی از بزرگترین و اساسی ترین اقدامات علمای بزرگ عصر ما در راه خدمت باستقلال عراق بشمار میرود



ولی پشتیبانی بیدریغ اردوگاه کمونیسم از حزب کمونیست عراق و نفوذ عجیب آنان در دستگاه هیئت حاکمه جمهوری ادامه یافت و همین امر عامل اصلی قیام افسران استان «**موصل**» گردید و سرهنگ «**عبدالوهاب شواف**» علیه توسعه قدرت و نفوذ کمونیسم در عراق قیام کرد ، ولی چون «**سیاست خارجی**» از وی پشتیبانی نکرد ، قیام وی با تمام قوا ؛ از راه زمین و هوا ؛ کوبیده شد و خود وی و هزاران نفر در موصل و اطراف آن در اثر بمباران هواپیماهای حکومت مرکزی

کشته شدند... (۱)

بدینتر تیب قیام موصل ، شکست خورد ، و قدرت کمونیستها در دستگاه های اداری روز بروز بیشتر گردید . ولی مبارزه دامنه دار علمای بزرگ اسلامی ؛ سرانجام باین نتیجه رسید که عشایر مسلمان عراق با اسلحه به نجف و کرخه آمدند و از علمای بزرگ فتوای جهاد خواستند . و همین کار موجب شد که دولت عراق جلو فمالیتهای کمونیستها را گرفت و حزب کمونیست عراق را منحل ساخت .

البته احزاب اسلامی نیز منحل گشت و جرائد دینی نیز جبراً تعطیل گردید ؛ و آزادیهای که بمردم داده شده بود کم کم محدود شد ، ولی در زمینه مسائل اقتصادی و امور عمرانی پیشرفتهای زیادی نسبت به دوره سابق ؛ بعمل آمده و همچنین در تعمیر و تجدید بنای اعصاب مقدسه و مساجد اسلامی نیز کوششهایی شده که بجای خود قابل تقدیر است .

(۱) : برای مزید اطلاع در این باره رجوع شود بکتاب : « نحن والعراق والشیوعه »

از جمال عبدالناصر ، صفحه ۳۵ بعد - چاپ بیروت .

رسول خدا (ص) فرمود آیات را راهنمایی نکنم بر عملی که خدای تعالی را خوشنود میسازد؛ گفتم چرا ای رسول خدا ؛ فرمود : بین مردم اصلاح بده هر گاه روبه فساد بروند ؛ و دوستی ایجاد کن هر گاه باهم دشمنی کنند .

محمد رسول الله (ص)